

اوضاع سیاسی ترکیه قبل از محاکمه اوجالان

احزاب پارلمانی ترکیه، سرکوب مردم کرد را پله ترقی خود محسوب می کنند. اغلب این احزاب، شوینیست و یا نژادپرست هستند که حتا احزاب بورژوازی کرد را هم که در سال های اخیر در چهارچوب قوانین جمهوری ترکیه اعلام موجودیت کرده و فعالیت قانونی می کنند، تحمل نمی کنند.

برای نمونه در انتخابات سراسری سال ۱۹۹۵ حزب دموکرات چپ (DSP) به رهبری «بلنت اجویت» به سختی توانست با کسب ۱۰ درصد آرا وارد پارلمان شود. حزب حرکت ملی (MHP) نتوانست حد نصاب رای لازم برای ورود به پارلمان را کسب نماید. اما موج تبلیغات شوینیستی و ضد کرد این احزاب، بعد از دستگیری اوجالان و تحریکات ناسیونالیست ها و فاشیست ها، سبب شد که حزب دموکرات چپ در انتخابات ۱۸ آوریل ۱۹۹۰ با کسب ۱۳۸ کرسی پارلمانی بزرگ ترین حزب پارلمان ترکیه و حزب حرکت ملی با کسب ۱۲۹ کرسی دومین حزب بزرگ این پارلمان گردد. در این انتخابات حزب فضیلت، «حزب اسلامی» (FP) نیز با آرای که به دست آورد توانست سومین گروه بزرگ مجلس ترکیه را تشکیل دهد. بعد از مدت کوتاهی از پایان انتخابات و پس از انجام مذاکرات ضروری، این سه حزب اعلام کردند که با همکاری با یکدیگر دولتی ائتلافی تشکیل می دهند. بلنت اجویت نخست وزیر و رهبران دو حزب یاد شده، در سمت معاون نخست وزیر، این موفقیت خود را قبل از هر چیز باید مدیون دستگیری اوجالان و فضای هیستریکی که علیه مردم کرد به راه انداختند، بدانند!

حزب حرکت ملی که در آفریدن فضای رعب و وحشت و حرکت های فاشیستی، زبان زد و مشهور است در سال های اخیر، مراسم عزاداری نظامیانی را که در

درگیری با پ.ک.ک. کشته می‌شدند به میتینگ‌های سیاسی علیه مردم کرد تبدیل می‌کرد و احساسات مردم را تحریک می‌نمود. در همین راستا بود که این حزب قبل از انتخابات پارلمانی اخیر، در و دیوارهای شهرهای سراسر کشور را با آفیش‌هایی پر کرده بود که شعار نوشته شده بر آن‌ها این عبارت بود که: «رهبر پ.ک.ک. در دوره حکومت ما اعدام خواهد شد!»

باغچه‌لی، رهبر حزب حرکت ملی، پس از صدور حکم اعدام اوجالان توسط دادگاه امنیت ملی به خبرنگاران گفت: «هیچ کس توانایی این را ندارد که اوجالان را مورد عفو قرار دهد و حکم اعدام او را لغو نماید.»

افزودنی است که در برنامه این حزب، رسماً تفکرات فاشیستی حاکم است و این حزب ترک‌ها را نژاد برتر می‌داند و معتقد است که اقلیت‌های ملی یا باید بدون چون و چرا در درون ترک‌ها جذب شوند و هویت فرهنگی و اجتماعی خود را کنار بگذارند و یا تحت پیگرد، سرکوب و کشتار قرار گیرند. این نظر رسمی این حزب است. علاوه بر این، حزب حرکت ملی همکاری بسیار نزدیکی با سازمان امنیت ترکیه (میت) دارد و اکثر حرکت‌های خشونت‌باری که در خارج کشور و به ویژه در آلمان علیه سازمان‌های چپ و یا کردی به اجرا گذاشته می‌شود؛ توسط این حزب و با همکاری با «میت» سازماندهی و اجرا می‌گردد. حزب یادشده، حتا، میدان‌های فوتبال را نیز به ابزاری برای تبلیغ تفکر فاشیستی خود تبدیل کرده است. ابعاد این همکاری چنان است که به اصطلاح «متفکرین» پلیس مخفی، از بین کادرهای این حزب انتخاب می‌گردند!!

نامزدهای احزاب موجود پارلمانی در مناطق کردنشین، کمترین میزان رای را کسب کردند. در انتخابات اخیر شهرداری‌ها، حزبی به نام «حزب دموکراسی خلق» (HADEP) که آشکارا از حقوق مردم کرد دفاع می‌کند، شرکت داشت.

بسیاری از شخصیت‌های معروف این حزب به ویژه کادر رهبری آن چند ماه پیش از انتخابات دستگیر و زندانی شدند. با این وجود، نمایندگان این حزب توانستند بیش‌ترین کرسی‌های شهرداری‌های مناطق کردنشین را از آن خود نمایند. رهبران حزب دموکراسی خلق، پس از چند هفته زندان و بازجویی در ماه ژوئیه ۱۹۹۹ آزاد شدند.

در پایان و به طور خلاصه می‌توان گفت که دستگیری اوجالان و تبلیغات وسیع دم و دستگاه دولتی سبب شد که مثلث مرگ ناسیونالیستی و فاشیستی و مذهبی، گرایش سکولار و آزادیخواه جامعه را کنار براند و حکومت ائتلافی خود را با حداقل آرای جامعه به وجود آورد.

البته به یادآوری می‌آورد که بلنت اجویت، طراح حمله به قبرس در سال ۱۹۷۴- که در آن زمان هم نخست وزیر بود - «قهرمان» ناسیونالیست‌ها است و در ضد کردن نیز اینک آوازه زیادی دارد!

گوشه‌هایی از دادگاه اوجالان

دادستان کیفرخواست خود علیه اوجالان را در ۶ بخش و ۱۳۵ صفحه تنظیم نموده است که در آن عبدالله اوجالان به اقدام مسلحانه علیه «امنیت ملی»، به خطر انداختن «تمامیت ارضی کشور» و تلاش در راه سازماندهی شورش برای سرنگونی دولت قانونی و دست زدن به فعالیت‌های «تجزیه طلبانه» «متهم!!» شده است.

دادستان بر اساس ماده ۱۲۵ قانون جزای جمهوری ترکیه برای عبدالله اوجالان تقاضای اعدام کرد.

تورگوت اوکیای رئیس دادگاه در روز دوم دادرسی از عبدالله اوجالان خواست به سنوالاتی که در ادعانامه دادستانی مطرح شده بود، پاسخ دهد. بخشی از این پرسش و پاسخ‌ها را که در روزنامه‌های ترکیه در تاریخ ۲ ژوئیه ۱۹۹۹ چاپ شده است عیناً نقل می‌کنیم:

«تورگوت اوکیای: آیا از موقع تشکیل سازمان ترور، دبیر آن بودید؟

عبدالله اوجالان: من نفر اول و مسئول تشکیلات هستم. تا آن جایی که برایم امکان داشت مسئولیت کل تشکیلات با من بود. اما از سال ۱۹۹۰ اختلاف نظرهایی در شیوه فعالیت‌ها و برنامه تشکیلات بروز کرد. در نتیجه یک مبارزه درون تشکیلاتی در جریان است.

ت. ا.: به دلیل اختلاف نظر درون تشکیلاتی، آیا شما دستور قتل بعضی از افرادتان را صادر کردید؟

ع. ا.: ما یک اساسنامه داریم. براساس این اساسنامه با افرادی که مغایر با سیاست‌ها و برنامه تشکیلات حرکت می‌کنند، بعد از این که موارد عدول از برنامه و اساسنامه در کمیته مرکزی، مورد رسیدگی قرار گرفت؛ برخورد

می شود. در نتیجه لزومی به دستور ویژه من نمی باشد.

ت. ا.: در تاریخ هفتم اوت ۱۹۸۴ به دلیل این که یکی از منسویین تشکیلاتی شما در آلمان کشته شد دولت آن کشور، دستور دستگیری شما را صادر کرد. آیا این را می پذیرید؟

ع. ا.: بسیاری از جنایات واقع شده در اروپا و همچنین ترور اولاف پالمه، به من نسبت داده شد. بعضی از مسئولین تشکیلات که جدا شده اند، مخالفین من هستند. آن ها بودند که این شایعه ها را راه انداختند که گویا من دستور این قتل ها را صادر کرده ام.

ت. ا.: ببین، خوب گوش کن... شما علیه دولت سوئد سخنرانی کرده اید که چرا به افرادی که از سازمان شما جدا می شوند، اجازه اقامت می دهد. شما در این سخنرانی دستور قتل پالمه را صادر کرده اید.

ع. ا.: این توطئه ای است که به من نسبت می دهند. با نظیر چنین توطئه هایی خواستند پ.ک.ک. را وارد یک سری مسائل خشونت باری بکنند. واقعه ترور پالمه نیز یکی از این توطئه هاست. مسئول وقت پ.ک.ک. در آن دوره «علی چتین ار» بود. وی در سوئد دستگیر گردید. به نظر من او با پلیس سوئد و آلمان همکاری می کرد.

ت. ا.: نوشته شما در ارگان پ.ک.ک. در قتل پالمه تاثیری نداشت؟

ع. ا.: خیر. این نوشته ها را به من هم نشان دهید. چنین نوشته هایی را «حسین ییلدیریم» نوشت. ایشان مسئول روابط خارجی تشکیلات بود. او در نوشته اش اولاف پالمه را چنین تهدید می کند: «بلاهایی که به سرش خواهد آمد خواهیم دید.» اگر چنین دستوری را من داده ام، از روزنامه حریت، خواستم که آن را پخش کند. اما چنین نوشته ای پخش نشد. خبرهایی که به من رسیده، حاکی از آن است که سازمانی به نام «سازمان رزین» پالمه را به

قتل رسانده است. این سازمان را «کثیره ییلدیریم» و «حسین ییلدیریم» به وجود آوردند که در اروپا فعالیت دارد. (توضیح نگارنده: کثیره ییلدیریم، همسر سابق اوجالان است که ساکن سوئد می باشد).

ت. ا.: سازمان شما سلاح های سنگین خود را از کجا می گیرد؟

ع. ا.: در این مورد بخش تجاری اقدام می کند. در رابطه با مسائل تکنیکی مشاورانی دارم. یکی از آنها «فتحی دمیر» است. وی، برای خرید سلاح های سنگین از یونان، در بخش تجاری، به ما یاری می رساند. آموزش مسئولین حزبی در یوگسلاوی صورت می گیرد. من قبل از این که از سوریه خارج شوم، هیچ موقع به یونان نرفته بودم. اما شنیده ام که بعضی از مسئولین حزب در یونان آموزش دیده اند. در این مورد اطلاعی ندارم. علاوه بر این شنیده ام که بعضی از ابزارهای تکنیکی هم از آن کشور تهیه شده است. اما تکرار می کنم که من قبل از سفر اخیر، هرگز به یونان نرفته بودم. از سال ۱۹۹۰ به بعد، مسائل آموزشی در یونان وسیعتر شد. آن هایی که آموزش شان در یونان پایان می پذیرفت با هواپیما به منطقه وارد می شدند. این نقل و انتقال بعضی مواقع از طریق سوریه، لبنان و یا ایران صورت می گرفت.

ت. ا.: آیا در ایران اردوگاه آموزشی دارید؟

ع. ا.: پ.ک.ک. در ایران بیمارستان دارد. در این کشور، آموزش های تنوریک نیز داده می شود. و مقامات ایران هم در جریان امر قرار دارند. علاوه بر آن سلاح های ما از طریق ایران می رسد. البته بعضی مواقع، سلاح های ما در این کشور توقیف هم شده است. در بخش یونانی قبرس هم نمایندگی هایی داریم. اما در این بخش اردوگاه نداریم و هیچ آموزش نظامی نیز در آن جا داده نمی شود. موقع دستگیری ام پاسپورت جعلی ای که همراه داشتم؛ توسط نمایندگی مان در قبرس تهیه شده بود.

ت. ا: آیا با حافظ اسد، رئیس جمهور سوریه، دیداری داشته‌اید؟

ع. ا: نه خیر. هیچ ملاقاتی با ایشان نداشتم.

ت. ا: پ.ک.ک. در قاچاق مواد مخدر فعالیتی دارد؟

ع. ا: چنین مسئله‌ای هرگز واقعیت ندارد. اما می‌دانم که در شهرهای بزرگ

با استفاده از نام پ.ک.ک. شبکه‌های بزرگ قاچاق به وجود آورده‌اند.

ت. ا: آیا با دولت ارمنستان و سازمان ارمنی «آسالا» رابطه‌ای دارید؟

ع. ا: دولت ارمنستان وارد رابطه رسمی با ما نشد. اما به فعالیت‌های ما

نیز اعتراضی نداشت. بسیاری از کشورها چنین سیاستی را دنبال می‌کنند. با

سازمان «آسالا» در سال‌های ۱۹۸۰ تماس‌هایی داشتیم. به ویژه مسئولین این

سازمان با من هم دیداری داشتند. اما بعداً به دلیل اختلاف درون

سازمانی‌شان و اختلاف ما با نحوه فعالیت آنان، رابطه‌مان قطع گردید.

ت. ا: یونان در رابطه با جابه‌جایی شما چه کارهایی در نظر گرفت؟

ع. ا: قرار بود یونان از آفریقای جنوبی برای من پاسپورت تهیه نماید. بعد

فهمیدم که آفریقای جنوبی کاری به این مسئله ندارد. به من دروغ گفتند.

ت. ا: «میکائیل مارالانیدیس» نماینده پارلمان یونان از حزب «پاسوک»، از

شما چه درخواستی داشت؟

ع. ا: ایشان در سال ۱۹۸۸-۱۹۸۷ به دره بقاع آمد و مرا ملاقات کرد. وی

از دوستی بحث نمود. اما هیچ درخواستی از ما نکرد. این شخص با یک

گروه روزنامه نگار به دیدن من آمده بود.

ت. ا: از آغاز تشکیل پ.ک.ک. تاکنون کدام کشورها به شما کمک

کرده‌اند؟

ع. ا: ابتدا ما، کمک سازمان آزادیبخش فلسطین را به خود جلب کردیم. ما

را در اردوگاه‌های خود آموزش دادند. دولت سوریه با ما وارد رابطه رسمی

نشد. اما مانع فعالیت ما نیز نگردید.

ت. ا.: آیا دولت یونان و سوریه از پ.ک.ک. سوء استفاده نکردند؟

ع. ا.: بدون شک آن‌ها خواستند در راستای سیاست‌های خود از پ.ک.ک. سوء استفاده کنند. علاوه بر آن ما هم مسائل را تجزیه و تحلیل می‌کردیم. متقابلاً از همدیگر استفاده می‌کردیم. موقعیت سیاسی چنین روابطی را ایجاب می‌کند.

ت. ا.: سازمان شما دیگر در کجا آموزش می‌بیند؟

ع. ا.: مرکز سیاسی سازمان در هلند است. آن‌جا آموزش‌های سیاسی در آپارتمان‌هایی که کرایه کرده‌ایم صورت می‌گیرد.

ت. ا.: آیا رابطه‌ای با انجمن حقوق بشر ترکیه دارید؟

ع. ا.: ما هیچ رابطه‌ای با نهادهای دموکراتیک ترکیه نداریم. آن‌ها تنها برای آزادی سربازان، نمایندگانی را مأمور می‌کردند با ما وارد مذاکره شوند. غیر از این، ما هیچ کمکی به آن‌ها نکردیم. آن‌ها نیز هیچ کمکی به ما نکردند. با سندیکاهای کارگری هیچ رابطه‌ای نداریم. اما با رهبران برخی احزاب، آن‌ها هم برای برقراری صلح، تماس‌هایی داریم.

ت. ا.: در سال ۱۹۹۳، ۳۳ سرباز را شهید کردید؟

ع. ا.: این واقعه در شکستن آتش بس یک طرفه که ما اعلام کرده بودیم، نقش اساسی داشت. در نتیجه ممکن نبود ما کشتن سربازان را توصیه کنیم.

ت. ا.: «شم‌دین ساکیک» نفر دوم پ.ک.ک. در دادگاه امنیتی دیاربکر گفته است که شما دستور قتل ۳۳ سرباز و اولاف پالمه را صادر کرده‌اید. آیا چنین است؟ (توضیح نگارنده: در پایین به ماجرای «ساکیک» اشاره خواهد شد.)

ع. ا.: با درخواست «تورگوت اوزال» رئیس جمهور وقت، به طور یک‌جانبه

آتش بس اعلام کردیم. بعد از این که اوزال خبر آتش بس را دریافت کرد، به «جلال طالبانی» که میانجی ما بود گفت: «اولین بار است که در ده سال گذشته راحت می خوابم.» بین ما و نخست وزیران وقت «مسعود بیلماز» از حزب صام وطن و «نجم الدین اریکان» از حزب رفاه اسلامی، تماس‌هایی صورت گرفت و نامه‌هایی نیز رد و بدل شد که در آرشیو پ.ک.ک. موجود هستند...» (۴۰)

بعد از این که رئیس دادگاه سئوالات خود را تمام کرد، به افرادی که فرزندان خود را در درگیری‌ها از دست داده بودند؛ اجازه صحبت داد. تعدادی از این افراد به عنوان شاکی بر علیه پ.ک.ک. و عبدالله اوجالان، صحبت کردند. فضای دادگاه بسیار سنگین بود و سناریو را طوری تنظیم کرده بودند که فشار روحی و روانی بسیار شدیدی بر روی اوجالان وجود داشته باشد. علاوه بر این، اکثر رسانه‌های گروهی، احساسات ناسیونالیستی مردم و خانواده‌هایی را که فرزندان خود را در جنگ با پ.ک.ک. از دست داده بودند؛ به طور غیر قابل تصویری تحریک می کردند و در دادن شعار «اوجالان اعدام باید گردد!»، «زننده باد وطن!»، «زننده باد ملت یکپارچه ترک!» و... با هم مسابقه می دادند.

«شمین ساکیک» که نام او در دادگاه برده شد، یکی از فرماندهان سیاسی-نظامی سرشناس پ.ک.ک. و عضو کمیته مرکزی بود که در سال ۱۹۹۸ دولت ترکیه او را دستگیر کرد. شایع بود که ساکیک در پی اختلاف با اوجالان، از پ.ک.ک. جدا شده و به حزب دموکرات کردستان عراق پناه آورده بود. جریان بارزانی هم او را دستگیر می کند و به دولت ترکیه تحویل می دهد. به هر حال، ساکیک در کردستان عراق به دست نیروهای امنیتی ترکیه افتاد و به ترکیه آورده شد. شمین ساکیک، در دادگاه امنیت ملی شهر دیاربکر، محاکمه و به اعدام محکوم گردید. وی در دفاعیه ۴۸ صفحه‌ای

خود، چنین می نویسد: «پ.ک.ک. به افرادی که فکر می کردند و آگاه بودند نیازی نداشت. حتا تبلیغ می شد که مغز اوجالان فراتر از مغز معمولی یک انسان کار می کند. با چنین تبلیغاتی مانع آگاه شدن و رشد دیگران می شدند. هر کس حرف می زد و یا چیزی می نوشت یا باید حرف های آپو را تکرار می کرد و یا به دفاع از وی بسنده می نمود... به همین دلیل حزبی که ۲۵ سال سابقه سیاسی دارد، هنوز نتوانسته است یک اثر هنری از خود ارائه دهد. حزبی که بخش آگاه و متفکر آن مرده و در مقابل، تفکر مذهب گونه آن به جلو صحنه رانده شده است. خدای این مذهب هم آپو است...»

دفاعیه کتبی اوجالان

عبدالله اوجالان متن کتبی دفاعیه خود را نیز به دادگاه ارائه داد. اوجالان در دفاعیه خود بیش از هر چیز به مسائل سیاسی و راه حل‌هایی که به نظر او مسئله مردم کرد را حل خواهد کرد، اشاره می‌کند. به دیگر سخن به دفاعیه او نه یک دفاعیه حقوقی، بلکه یک پلتفرم سیاسی می‌توان نام نهاد. در پایین به گوشه‌هایی از آن اشاره می‌شود.

اوجالان می‌نویسد: پ.ک.ک. در سال ۱۹۷۰ ایدئولوژی و برنامه و اهداف خود را پی‌ریزی کرد. اما وقایع اوائل دهه ۱۹۹۰ هم در جهان و هم در ترکیه، نشان داد که امروز نیاز به این هست که این حزب اهداف و برنامه خود را با در نظر گرفتن شرایط موجود تنظیم کند. چنین نگرشی در سال‌های اخیر ادامه داشت. همین مسئله در رابطه با شدت عمل به خرج دادن نیز صدق می‌کند. در عین حال که باید از حقوق پایه‌ای انسان، هویت و فرهنگ دفاع کرد، در همان حال باید شدت عمل را نیز کنار گذاشت. در رابطه با همین مسئله، یک مبارزه درون تشکیلاتی در جریان است. اما در ادعاینامه، هیچ فرقی بین این دو گرایش گذاشته نمی‌شود. علاوه بر آن به همه چیز از زاویه «ترور» نگریسته شده است و تمام مسائل را به دوش یک طرف گذاشتن، واقعی نمی‌باشد. من در این مورد نیازی به دفاع حس نکردم. وکلای من به لحاظ حقوقی از من دفاع می‌کنند و می‌توانند به مسئله حقوقی بیشتر بپردازند.

برای من مهم نیست چه اسمی و چه شیوه‌ای به کار برده می‌شود. آنچه که برای من مهم است این است که در این میان در مقابل «جنگ»، ضروری بودن «صلح» را مطرح کنم. هر جنگی یک صلحی هم به دنبال دارد. ما به قانون‌مندی معقولی نیاز داریم که راه حل پیدا کند. در دفاعیه‌ام هدف

اساسی من همین بود. مهم این است که گذشته را بررسی کرد، برنامه و سیاست مناسبی را تنظیم نمود و جواب روشن و راه حل عملی پیدا کرد. از من چنین انتظاری هست. بخشی از تلاش‌های خود را که قبلا در بیرون انجام می‌دادم، در این جا هم به یک پلاتفرم تبدیل خواهم کرد. این یک راه حل پراتیک است. عموماً دفاع از پ.ک.ک. یا پافشاری در خط سیاسی کلاسیک، یا رها کردن آن، چند نکته‌ای هستند که از ذهن من می‌گذرد. این هم در یک نگاه، یک بن بست سیاسی است. برای پشت سر گذاشتن آن در حین نگاشتن دفاعیه‌ام هم احساس وظیفه کردم.

من بر خلاف یک کرد ناسیونالیست کلاسیک، چپ را هم تجربه کرده‌ام. امروز به این نتیجه رسیده‌ام که دوره آن‌ها به سر رسیده است. هیچ وقت نیازی به یک بحث طولانی پیرامون یک جامعه با هویت ملی را احساس نکردم. به عنوان یک علم، بهتر است آن را به متخصصین امور واگذار کنیم. مسائلی که بیش‌تر مورد بحث قرار گرفته‌اند، برای من زیاد چیز جدیدی نیستند. این در مورد برنامه پ.ک.ک. و هم بافت تشکیلاتی و فعالیت‌های سیاسی آن، گواه صادقی است. برای من بسیار حائز اهمیت است که چگونه این مسایل را بنا به نیازی که وجود دارد به عنوان راه حل ارائه داد. احزاب یک وسیله هستند. اگر احزاب آمادگی جواب دادن به نیازهای زمان خود را پیدا نکنند، به بن بست می‌رسند و نمی‌توانند با شرایط جدید، خود را وفق دهند. یک جریان منزوی هر چقدر هم قهرمان باشد، زیاد برای ایده آزادی موثر نمی‌باشد. من به لحاظ حقوقی و دفاع از خودم، مشکلی را با خود حمل نکردم. به عقیده من، نباید در تغییر قانون اساسی و انکار ملیت‌های دیگر به لحاظ سیاسی و اخلاقی لجاجت به خرج داد. شاید این مسئله در رای دادگاه تاثیری نداشته باشد، اما ارزش آینده آن بسیار بزرگ و یک راه حل را به ارث خواهد

گذاشت. من همیشه به این مسئله به دیده احترام نگریسته‌ام. جوهر دفاعیه من مکرر بر مقوله «راه حل دموکراتیک» تاکید دارد. در گذشته من به این مسئله محدود نگاه می‌کردم، اما اخیراً در ابعاد وسیعی آن را مطالعه کردم. در این امر به طور تصادفی کتاب «دموکراسی معقول» را (که نویسنده آن Leslie Lipson است) خواندم. این کتاب تاثیر بسزایی در من داشت. در دهه هفتاد که بحث بر سر «حق تعیین سرنوشت» مد بود، واقعا این مسئله در بن بست قرار داشت. در مورد کردستان نیز این مسئله سنگینی می‌کرد. من سعی کردم راه حلی پیدا کنم. زمانی که در عمل با این مسئله مواجه شدم که تشکیل دولت مستقل، فدراسیون و خودمختاری، ما را به بن بست می‌رساند؛ پیدا کردن راه حلی در چهارچوب یک سیستم دموکراتیک وزنه سنگینی برای من پیدا کرد و این هم برای من اهمیت زیادی داشت. چنین نگرشی به مرور زمان در بن بست قرار دادن راه حل نظامی و مسلحانه، نقش زیادی بازی کرد. فراتر از آن، در عمل ما از یک طرف با شورش و از طرف دیگر با سرکوب روبه‌رو بودیم. در چنین شرایطی موثر نبودن زور و شدت عمل در سطح دنیا خود را نشان داد و من هم عملی کردن چنین سیاستی را به طور عاجل در شرایط موجود آرزو می‌کنم.

روابط ترک‌ها - کردها و تحقق میثاق ملی و موجودیت سیاسی - نظامی در چهارچوب یک سیستم دموکراتیک یک راه حل تاریخی را به دنبال خواهد داشت. مضافاً این سیستم تنها راهی است که در مقابل ما قرار دارد و همگان به این صلح نیاز دارند. امروزه «راه حل دموکراتیک» در سطح دنیا در حال پیشروی است، در حالی که راه حل نظامی، به بن بست رسیده است. بنا بر این مسئله اساسی ترکیه هم، از دموکراتیزه شدن می‌گذرد.

من همیشه با امید به این مسئله نگاه کردم و هرگز از آن شانه خالی

نمودم. اما در چنین شرایطی، اظهار این که طرفین به سوی یک «راه حل» اساسی حرکت می‌کنند امیدواری زیاده از حد خواهد بود. احتمال دارد موانع زیادی در سر راه باشد، اما دیر یا زود راه حل مساعد پیدا خواهد شد. من بر چنین روندی اعتقاد و باور دارم.»

اوجالان در ادامه دفاعیه خود تاکید می‌کند: «چنین جوابی به ادعای نامه بسیار روشنگر خواهد بود. چیزی که مهر خود را به زندگی من زده است. این است که یا مرا اعدام کنید یا آزادی‌ام را بدهید. این شعار من است. راه دیگری به چشم نمی‌خورد. بزرگترین ترس من در این جا این است که پروژه انسانی من در نیمه راه متوقف شود. فراتر از آن زندگی من، از شورش آزادی فردی آغاز شده تا رسیدن به یک صلح آزاد نیز ادامه خواهد یافت. این انتظار من از زندگی است. من این ضرورت را بعد از دستگیری‌ام، در همه مراحل بازجویی‌هایم، اساس قرار داده‌ام. اساس رسیدن به یک صلح اجتماعی و فراتر از آن در عرصه سیاسی و اجتماعی، نیازمند یک تلاش تنوریکی و پراتیکی است. در فعالیت‌های سیاسی خود کعبده‌های نظری را عمیقاً احساس کردم. بنابراین اهمیت بسیار ویژه‌ای دارد که در زمینه‌های سیاسی و عملی، تنوری عمیقی داشت. اساساً چنین نگرشی پیش شرط دستیابی به یک صلح پایدار است. دفاع من با همه ویژگی‌هایش، هم برای ترکیه که در پایه‌گذاری جمهوری دموکراتیک به نتایج عملی برسد و هم در زمینه حل مسئله کرد، با علم و آگاهی و اراده جمهوری یک‌پارچه گام بردارد، ضروری است که در رابط با مسائلی از این قبیل طرح‌های شفاف‌تری را به میان آورد.»

این‌ها هم برای خلق‌مان و هم تشکیلات‌مان قابل فهم و مورد نیاز است. دیگر باید به جای کشتن و کشته شدن، به واقعیت زنده ماندن و زندگی دادن، اعتقاد پیدا کرد و به صورت مدرن به شورش و عصیان‌ها و سرکوب آن‌ها

که بیست سال است ادامه دارد در یک دوره تاریخی در یک جمهوری دموکراتیک، جواب و راه حل مناسب داد. و با امید به زندگی وارد سال ۲۰۰۰ شد. فاشیسم، ناسیونالیسم بورژوازی، یک نظام دیکتاتوری است که اجازه نفس کشیدن نمی دهد. همچنین زیاده روی طبقه کارگر در برابری و نبودن دموکراسی به رژیم های توتالیتر میدان می دهد. این ها واقعیت های مورد بحث هستند. اما موفقیت دموکراسی به مرحله ای از زمان خود رسیده که نمی توان مانع رسیدن مردم به جامعه دموکراتیک شد. کسانی که در مقابل دموکراسی بایستند، شکست خواهند خورد. اما کسانی که آن را به مرحله عمل در آورند؛ موفقیت شان قطعی خواهد بود...

امروز جدی ترین مسئله ترکیه، حل مسئله مردم کرد است. اگر چریک های پ.ک.ک. در شرایط مساعدی از طریق راه حل سیاسی، جذب سیستم دموکراتیک شوند، این جهت گیری حقیقتاً پیروزی عاقلانه دموکراسی را به دنبال خواهد آورد. جدایی کردها نه امکان پذیر است و نه ضروری. منافع کردها به طور قطع در کل ترکیه و در یک اتحاد دموکراتیک برآورده می شود. اگر اصول دموکراتیک به مرحله عمل در آید، بهترین مدل در برابر مدل های دیگر از قبیل مختاری و فدراسیون خواهد بود. از هم اکنون گام های عملی در این راه برداشته شده است...

محاكمة اوجالان ۹ جلسه طول کشید. او در روز سه شنبه ۲۹ ژوئیه ۱۹۹۹ در آخرین دفاعیه خود اتهامات دادستان را رد کرد. اوجالان خطاب به رئیس دادگاه گفت: ادعای دادستانی را مبنی بر خیانت من به وطن قبول ندارم. آینده بشریت در گرو صلح می باشد.

سر انجام قضات دادگاه با استناد به ماده ۱۲۵ قانون جزائی، کیفرخواست دادستانی را مورد تایید قرار دادند و حکم اعدام عبدالله اوجالان را صادر

کردند.

بر اساس قانون نخست وکلای اوجالان از دادگاه استیناف، در خواست تجدید نظر در حکم موکل خود می‌کنند، سپس در صورت رد این درخواست توسط دادگاه استیناف، پرونده به پارلمان کشور ارسال خواهد شد تا تصمیم نهایی اعدام یا عدم اعدام اوجالان مورد بررسی قرار گیرد.

حکم اعدام در ترکیه از سال ۱۹۸۴ به بعد با وجود ۴۰ پرونده اعدام که جهت رسیدگی نهایی به پارلمان ارجاع شده، به مرحله اجرا در نیامده است. آخرین موردی که حکم اعدام در آن کشور اجرا شد در سال ۱۹۸۴ بود که فردی به نام «الیاس حاس» از رهبران سازمان «راه انقلابی» (Dev Yol) و «خدر اصلان» یکی دیگر از رهبران یک سازمان چپ را اعدام کردند.

در سطح جهانی کشورهای چین، ایران و عربستان در ردیف اول تا سوم لیستی قرار دارند که در آن کشورها، انسان‌ها اعدام می‌گردند. ایالات متحده آمریکا نیز از جمله کشورهایی است که لغو حکم اعدام را نپذیرفته است. در این کشور - آمریکا - از سال ۱۹۷۶ تا سال ۱۹۹۹، پانصد نفر اعدام شده‌اند.

از سوی دیگر وکلای مدافع اوجالان از مجامع و نهادهای بین‌المللی، از جمله اتحادیه اروپا، درخواست کرده‌اند که پرونده اوجالان را مورد بررسی قرار دهند و همچنین دولت ترکیه را تحت فشار قرار دهند تا حکم اعدام اوجالان را لغو نماید.

«ارکان کانار»، یکی از وکلای عبدالله اوجالان، طی سفری به چند کشور اروپایی - و از آن جمله سوئد - روند محاکمه اوجالان را ناعادلانه خواند و از مجامع بین‌المللی خواست تا در این مورد دخالت نمایند و از حقوق انسانی مردم کرد و خواسته لغو حکم اعدام اوجالان دفاع کنند.

کانار، در یک کنفرانس مطبوعاتی که در «کافه مارکس» در شهر استکهلم برگزار شد، شرکت نمود. وی در این کنفرانس به پرسش‌های خبرنگاران پاسخ داد. کانار گفت هر چند که دولت ترکیه تلاش زیادی به خرج داد تا ظاهر دادگاه اوجالان را عادلانه نشان دهد، اما واقعیت پشت پرده غیر از این ظاهرسازی بود. او در این مورد گفت: «دادگاه حقوق بشر اروپا و بسیاری از نهادهای بین‌المللی واقعیت را نمی‌دانند. آن‌ها فقط به ظاهر ماجرا توجه می‌کنند. از این که سالن دادگاه به شکل مدرنی تزئین شده است، دادستان خنده بر لب دارد و ظاهراً طرفین آزادانه اظهار نظر می‌کنند، چنین استنباط می‌شود که دادگاه عادلانه برگزار می‌شود. واقعیت این است که در این دادگاه قانون کنار گذاشته شد و در پشت این صحنه ظاهری، اتوریته دادگاه نظامی بود که اعمال می‌شد.» کانار عملکرد دولت‌های اروپایی را در ماجرای اوجالان مورد انتقاد قرار داد. وی در این مورد گفت: «هنگامی که اوجالان به اروپا آمد به وی پناهندگی سیاسی ندادند. آن‌ها تنها منافع اقتصادی و سیاسی خود را در نظر گرفتند و در دفاع از حقوق انسانی، برخوردی نادرست نمودند.»

کانار اضافه کرد: «در حالی که دولت ترکیه مصویات دادگاه حقوق بشر اروپا و دیگر نهادهای بین‌المللی را امضا کرده است، اما در دادگاه اوجالان نه تنها هیچ‌یک از این قوانین را مد نظر قرار نداد بلکه کاملاً اتوریته نظامی بر آن غالب بود... قبل از محاکمه، هیچ‌گونه حقوقی را برای اوجالان به رسمیت نشناختند. شرایط بسیار سختی بر او حاکم بود. رفتار دولت با اوجالان، مانند رفتار با یک زندانی نبود، بل با او مانند یک اسیر رفتار کردند... قبل از آغاز دادگاه، بسیاری از مقامات دولتی و نظامیان اظهار نظرهایی نمودند که سخنان آنان حکم صادره از سوی دادگاه را روشن می‌کرد.»

در حالی که در تمام دنیا، این دادگاه است که به طور مستقل رای نهایی را صادر می‌کند نه مقامات کشوری و لشکری. علاوه بر این مسائلی را در پرونده اوجالان گنجانند که هیچ ربطی به اوجالان و پ.ک.ک. نداشت. قوانین بین‌المللی، اصل را بر برائت متهم می‌گذارد، در صورتی که در مورد اوجالان چنین نبود. علاوه بر این قانونی در ترکیه وجود ندارد که متهم را در دادگاه در قفس شیشه‌ای قرار دهند. در طول دادگاه تقاضای هیچ‌یک از وکلای مدافع پذیرفته نشد... از هم اکنون دادستان این پرونده اعلام کرده است که اعتراض هیچ‌یک از نهادهای بین‌المللی و دادگاه حقوق بشر اروپا را نخواهد پذیرفت.»

وکیل مدافع اوجالان در ادامه سخنان خود اضافه کرد: «از سه حزبی که دولت ائتلافی ترکیه را به وجود آورده‌اند، دو حزب آن رسماً اعلام کرده‌اند که حکم اعدام اوجالان را در پارلمان مورد تصویب قرار خواهند داد. حزب «راه حقیقت» نیز که حزب اپوزیسیون پارلمانی است اعلام نموده است که رای دادگاه مبنی بر حکم اوجالان را تایید می‌کند. اما اوجالان در مقابل این همه فشار روانی و تحمیل بی‌حقوقی، در همه اظهار نظرهای خود با خونسردی پیام صلح می‌دهد...»

ادامهٔ آدم ربایی و تروریسم دولتی

بلنت اجویت نخست وزیر ترکیه، در روز چهارشنبه ۲۲ ژوئیه ۱۹۹۹ در یک کنفرانس مطبوعاتی به خبرنگاران گفت که یکی از مسئولین رده بالای پ.ک.ک. توسط سازمان امنیت ترکیه (میت) دستگیر شده و به ترکیه انتقال یافته است. به دنبال اعلام این خبر، شبکه خبرگزاری «CNN»، تلویزیون آلمان و چند خبرگزاری دیگر، ماجرای این آدم ربایی را گزارش نمودند. (۴۱)

روزنامهٔ حریت ترکیه در گزارش ۲۲ ژوئیه ۱۹۹۹ خود چنین نوشت: «جواد سویسال، با نام‌های مستعار محمد حوجا و جمیل، از اعضای کلیدی سازمان تروریستی «پ.ک.ک.» در اروپا و خاورمیانه، طی عملیاتی شبیه دستگیری «آپو» دستگیر شد. بنا به گزارش منتشر شده توسط «میت»، سویسال در یک سفر اروپایی، شناسایی گردید و پس از دستگیری به ترکیه آورده شد.» بنا به نوشتهٔ همین روزنامه، سویسال متولد ۱۹۶۲ در یکی از قصبه‌های شهر «باتمان» ترکیه است. وی قبلاً در سال ۱۹۷۹ در حالی دستگیر شده بود که مسلح به یک سلاح کمری بود و اطلاعاتی پ.ک.ک. را با خود همراه داشت. دادگاه سویسال را به ۲۱ سال زندان محکوم نمود. اما چون ۱۷ سال داشت محکومیت زندانش به ۱۴ سال تخفیف داده شد. اما وی بعد از ۶ سال از زندان آزاد گردید. او بعد از آزادی از زندان به آلمان رفت و در آنجا در صفوف پ.ک.ک. به فعالیت‌های خود ادامه داد. وی مسئولیت‌هایی را در امور مالی، آموزشی و تدارکات لجستیکی به عهده داشت. وی از نزدیکان اوجالان و عنصر مهم در حزب بود. (۴۲)

روزنامهٔ «اوزگور پلیتیکا» نیز که از پ.ک.ک. حمایت می‌کند و در آلمان منتشر می‌شود، در شمارهٔ ۲۲ ژوئیه ۱۹۹۹ خود مطلبی را تحت عنوان

«توطئه ادامه دارد» در رابطه با دستگیری سویسال درج کرد. بنا به نوشته این روزنامه، جواد سویسال را نخست دولت «مولداوی» دستگیر کرده و سپس به دولت ترکیه تحویل داده است. این روزنامه افزود: «جواد عضو بخش اروپایی شاخه نیروهای مسلح پ.ک.ک. است که هفته پیش در سفری به «مولداوی» توسط دولت آن کشور دستگیر و به ماموران ترکیه تحویل داده شد.» (۴۳)

کمیته رهبری نیروی مسلح پ.ک.ک. در اروپا نیز با انتشار اطلاعیه‌ای، ادعای بلنت اجویت نخست وزیر ترکیه را که گفته بود ماموران امنیتی ترکیه طی یک عملیات سری سویسال را به اسارت خود در آورده‌اند، رد کرده و آن را دروغ محض خواند. در بخشی از این اطلاعیه آمده است: «رفیق ما نه در نتیجه عملیات سری دولت ترکیه دستگیر، بلکه توسط دولت مولداوی بازداشت و به ترکیه فرستاده شده است. جواد سویسال، یک هفته بود که در بازداشت دولت مولداوی قرار داشت.» (۴۴)

مقامات آلمان نیز اعلام کردند که سویسال با پاسپورت پناهندگی، به طور قانونی به مولداوی رفته و در آن کشور بازداشت شده است. در این میان یکی از مسئولین وزارت کشور آلمان نیز فاش کرد که سویسال را دولت مولداوی به ترکیه تحویل داده است. اظهارات سخنگوی مطبوعاتی وزارت کشور مولداوی در این خصوص، البته، شگفت‌انگیز بود. او به رویتر گفت: «در مورد این واقعه هیچ چیزی نمی‌داند.»

دفتر سیاسی پ.ک.ک. نیز با انتشار اطلاعیه‌ای اعلام کرد: «حزب ما و نیروهای وابسته به آن در مقابل آدم ربایی و تروریسم بین‌المللی این حق را برای خود محفوظ می‌دارند که دست به عمل متقابل بزنند.»

سرانجام کنعان سیدار و احمد آوشار، وکلای جواد سویسال، روز دوشنبه ۲۷

ژوئیه ۱۹۹۹ موفق شدند با سویسال در زندان آنکارا ملاقات دو ساعته داشته باشند.

بنا به نوشته روزنامه اوزگور پلیتیکا، در تاریخ ۲۸ ژوئیه ۱۹۹۹، سویسال واقعه را برای وکلای خود چنین تشریح نمود: «این امر که دولت ترکیه تبلیغ می کند که سازمان امنیت ترکیه (میت) عملیات موفق در دستگیری من انجام داده است، واقعیت ندارد. این سازمان تنها در فرودگاه مرا از پلیس مولداوی تحویل گرفت و به ترکیه آورد.»

این روزنامه می افزاید: «جواد سویسال، شب ۱۳ ژوئیه ۱۹۹۹ توسط پلیس مولداوی در شهر «کیش نوا» دستگیر شد. پلیس همان شب او را به یک فرودگاه نظامی انتقال داد و در آنجا به ماموران سازمان امنیت ترکیه که با یک فروند هواپیما منتظر بودند؛ تحویل داد. سویسال در این مورد گفت: «از منزلی که در آن اقامت داشتم، به قصد تلفن زدن بیرون آمدم. در مقابل کیوسک تلفن، مورد حمله سه نفر واقع شدم. چند نفر دیگر نیز از گوشه و کنار به کمک آن ها آمدند و به زور کیسه ای را به سرم کشیدند. سپس مرا داخل مینی بوسی انداختند. به انگلیسی دست و پا شکسته ای به من می گفتند: «ساکت باش.» تلفن همراه، ۵۰۰۰ مارک پول نقد، ساعت، کمر بند و بند کفش هایم را گرفتند. نزدیک به یک ساعت و نیم طول کشید تا به یک پایگاه نظامی رسیدیم. به محض این که از مینی بوس پیاده ام کردند، بی درنگ مرا سوار هواپیمایی نمودند. چشمانم را بسته بودند. یک نفر به ترکی به من گفت: «به وطن خوش آمدید.» بعد از دو ساعت و نیم پرواز، هواپیما به زمین نشست. مرا از هواپیما پیاده کردند و وارد یک ساختمان نمودند. بازجویی در آن جا آغاز شد.» (۴۵)

سویسال به وکلای خود گفت، بین روزهای ۱۳ تا ۲۱ و ۲۱ تا ۲۳ ژوئیه

۱۹۹۹ به ترتیب ماموران «میت» و ماموران شعبه سیاسی آنکارا او را نزدیک به یازده روز متوالی تحت بازجویی همراه با شکنجه قرار داده‌اند. وی در طول بازجویی‌ها با شکنجه‌هایی از قبیل ایراد ضرب و شتم، دادن شوک الکتریکی، پاشیدن آب، تحت فشار قرار دادن بیضه‌ها و... روبه‌رو بوده است. سویسال اضافه کرد که در طول بازجویی، داروهایی به وی می‌دادند که از محتوای آن خبر نداشت. این داروها وی را دچار فراموشی می‌کردند و سست می‌نمودند. بعد از آن، در حال سستی و بی‌حالی از او بازجویی می‌کردند. علاوه بر آن او را در سلول تنگی قرار می‌دادند که در آن نه تنها امکان نشستن وجود نداشت بلکه قطره قطره آب نیز بر سرش می‌ریختند. وی می‌گوید که او را در اثر فشارهای جسمی و روحی در حین بازجویی دو بار نیز به بیمارستان برده‌اند. وی بار اول ۷ ساعت و بار دوم ۶ ساعت در بیمارستان بستری شده است. سپس مجدداً وی را مورد بازجویی و شکنجه قرار داده‌اند. سیدار، وکیل سویسال، اظهار نمود که هنوز هم آثار شکنجه در بدن موکل وی مشاهده می‌شود که به همین دلیل به دادستانی جمهوری شکایت کرده است. سیدار، اضافه کرد که در رابطه با این وضعیت به سازمان عفو بین‌الملل، انجمن حقوق بشر ترکیه، کانون پزشکان و کانون وکلا نیز متوسل شده‌اند.

در طول روزهای شکنجه، ماموران سویسال را تحت فشار قرار داده بودند که بپذیرد که با برخی از نهادها و سازمان‌ها از جمله انجمن حقوق بشر، حزب دموکراسی خلق، کانون وکلا، روزنامه‌نگاران و با برخی شهرداران در ترکیه تماس داشته است. اما وی چنین چیزی را قبول نکرده است.

دستگیری جواد سویسال و تسلیم وی به ترکیه، هم‌زمان با سفر فیشر وزیر امور خارجه آلمان (از حزب سبزها) به ترکیه بود. فیشر، در ملاقات خود با

سلیمان دمیرل رییس جمهور وقت ترکیه، مسئله مردم کرد را به میان کشید. در مقابل سلیمان دمیرل اظهار نمود: «مسئله کرد، در ترکیه وجود ندارد، مسئله وجود تروریسم است.» و در حالی که فیشر، به درخواست عدم اعدام اوجالان نیز اشاره داشت، اما دمیرل هیچ جوابی به آن نداد. فیشر در مقابل این سوال که چرا جواد سویسال پاسپورت آلمانی دارد؟ چنین پاسخ داد: «سویسال سال‌ها پیش از آلمان پناهندگی سیاسی دریافت کرده است. به چنین افرادی، در چهارچوب قوانین کنوانسیون ژنو، باید پاسپورت داده شود.»

وی همچنین اضافه نمود: «ما قصد نداریم در مسائل داخلی ترکیه دخالت کنیم. اما اعدام، منطبق با قوانین اتحادیه اروپا نمی‌باشد. ما نخست از آمریکا و از همه کشورهای که قانون اعدام در آن‌ها وجود دارد، می‌خواهیم که این قانون را ملغی کنند. همچنین ما طرفدار دیالوگ بین مردم کرد و ترک هستیم.»

کنعان سیدار، وکیل جواد سویسال، با ارسال نامه‌ای به وزیر امور خارجه آلمان، آنچه را که دولت ترکیه بر سر سویسال آورده و او را در معرض شدیدترین شکنجه‌های جسمی و روحی قرار داده است؛ توضیح داده و از وی درخواست کرده که از سویسال که یک پناهنده سیاسی در آلمان بوده است، حمایت نماید.

جهت گیری سیاسی - تشکیلاتی پ.ک.ک.

هدف اصلی پ.ک.ک. در سال‌های نخست اعلام موجودیت خود، رسیدن به استقلال کردستان ترکیه و تشکیل دولت کرد بود. اما به مرور زمان این نظر تضعیف شد و مسئله خودمختاری یا تشکیل فدراسیونی با ترکیه، به بحث اصلی رهبران پ.ک.ک. تبدیل گردید.

اوجالان، هنگامی که در ایتالیا، به سر می‌برد طی مصاحبه‌ای با تلویزیون «MED - TV»، برای اولین بار اعلام کرد: «از ۱۵ سال پیش ما جنگ بدی را به پیش می‌بریم که آینده‌ای ندارد.» وی در آن مصاحبه هشدار می‌داد که اگر در کنگره آینده پ.ک.ک. نظریات وی مورد قبول واقع نشود؛ از رهبری حزب کناره‌گیری خواهد کرد. اوجالان، در آن مصاحبه افزود: «به این نحو نمی‌توان به مبارزه ادامه داد. ما اول مین گذاری می‌کنیم، سپس پای خود را روی مین‌ها می‌گذاریم... ما دو راه در پیش رو داریم: یا باید به مبارزه مسلحانه ادامه دهیم و از خود دفاع کنیم و یا از اروپا کمک بخواهیم که ما را در راه صلح یاری دهد. ما راه دوم را انتخاب کرده‌ایم. این راه، راه صلح است که در آن بازگشتی نیست. راهی که کردها انتخاب کرده‌اند.»

اگر به فراز اندیشه‌های اوجالان، اندکی دقت شود، آشکار می‌گردد که این اندیشه‌ها خلق‌الساعه نبوده است. وی در مصاحبه طولانی و معروف خود با دکتر «یالچین کوچوک»، روزنامه‌نگار و نویسنده مشهور ترکیه، در سال ۱۹۹۴ تحت عنوان «داستان دوباره زیستن: خاطرات و اندیشه‌های عبدالله اوجالان»، به صراحت گفته است که: «ما صادقانه و صمیمانه مشتاق حل دموکراتیک مسائل کرد در سطح بالا هستیم.» و این یعنی که عبدالله اوجالان، سال‌هاست که به این نتیجه رسیده بوده است که حل مسائل کرد، نه

از طریق مبارزه مسلحانه چریکی، بلکه از طریق مذاکره با دولت امکان‌پذیر است. در واقع اوجالان و حزب او - حزب کارگران کردستان - دنبال راهی می‌گشته‌اند که از بن‌بست مبارزه مسلحانه در آیند. بنابراین آمدن اوجالان به اروپا و سپس دستگیری و محاکمه وی، توجه بیشتر افکار عمومی مردم جهان، نهادهای بین‌المللی و دولت‌ها را به معضل و مشکل مردم کرد در ترکیه، بیش از پیش جلب نموده است. امر مذاکره با دولت ترکیه که - شاید - با روال گذشته، سال‌ها به درازا می‌کشید، اکنون با تلاش اوجالان و پ.ک.ک. سرعت بیشتری به خود گرفته و به جلو صحنه سیاسی رانده شده است.

در این راستا، وکلای اوجالان با برگزاری یک کنفرانس مطبوعاتی، در روز سوم اوت ۹۹ در آنکارا اعلام کردند که اوجالان، با انتشار بیانیه‌ای از چریک‌های پ.ک.ک. خواسته است که از اول سپتامبر ۹۹، اسلحه خود را کنار بگذارند، به مبارزه مسلحانه چریکی خاتمه دهند و به کارزار سیاسی روی آورند. محمود شاکار، دونمان ارباش، ایرقان دوندار و احمد آشار وکلای اوجالان، در این کنفرانس تاکید کردند که اوجالان مدتی طولانی است که برای خاتمه دادن به مبارزه مسلحانه، تلاش می‌کند.

بیانۀ نامبرده اوجالان به شرح زیر است:

به افکار عمومی مردم ترکیه و جهان!

درگیری نظامی و دست زدن به شدت عمل در مقابل گسترش دموکراسی و رعایت حقوق بشر در ترکیه، مانع بزرگی است. یکی از معضلات ریشه‌ای مردم کرد، روی آوردن به شدت عمل بوده است. امروز گشودن راه و کنار زدن موانع و خاتمه دادن به شدت عمل یک نیاز واقعی است. به همین جهت از

حزب کارگران کردستان (پ.ک.ک.)، می‌خواهم که به دنبال آتش‌بس یک طرفه‌ای که از اول سپتامبر ۹۸ در جریان بوده است، از اول سپتامبر ۹۹ نیز ختم هرگونه عملیات نظامی را در دستور کار خود بگذارند و از درون مرزهای ترکیه خارج شوند و نیروی خود را در پیش‌برد امر صلح و راه مسالمت‌آمیز به کار اندازند. در چنین شرایطی اعتقاد دارم که در راه حل جدید، امکان دستیابی به توافقات بیشتر می‌گردد. انتظار ما این است که دولت و نهادهای تابعه و مسئولین امر، به این حرکت صلح‌جویانه و مسالمت‌آمیز و برادرانه ما، مسئولانه برخورد کنند. هم‌چنین از حکومت‌ها و نهادهای بین‌المللی و ملی دعوت می‌کنم که با این فراخوان همراهی و همکاری مثبت داشته باشند. (۴۶)

عبدالله اوجالان

جزیره ایمرالی ۲-۸-۱۹۹۹

پس از انتشار بیانیه اوجالان، مقامات و احزاب ترکیه، عکس‌العمل‌های متفاوتی از خود نشان دادند. سلیمان دمیرل رئیس‌جمهور وقت ترکیه، گفت: «مسئله بی‌نهایت پیچیده است.» عمر ایزلی مسئول گروه پارلمان حزب حرکت ملی، اظهار نمود: «اگر به این فراخوان جواب داده شود به نفع کشور خواهد بود... پیشرفت خوبی است.» احمد آندیجان معاون دبیرکل حزب مام وطن گفت: «صمیمی نیستند. آنچه که باید انجام دهند این است که تسلیم شوند.» لطفی اسنگون معاون دبیرکل حزب فضیلت می‌گوید: «بخشی از این فراخوان مثبت است. بهتر این بود که بگوید از کوه پایین بیایند و اسلحه خود را تحویل بدهند. در حالی که می‌گوید به خارج از کشور بروند. این بدان معنی است که در خارج به کارهای غلط خود ادامه دهند.»

از طرف دیگر دفتر سیاسی پ.ک.ک. نیز از فراخوان عبدالله اوجالان، استقبال نمود و اعلام کرد بیانه دوم اوت دبیرکل حزبمان، عبدالله اوجالان، برای رسیدن به دموکراسی و صلح، یک فرصت تاریخی برای مردم ترکیه محسوب می شود. بررسی این امکان و این فرصت تاریخی، با توسعه یک راه حل بزرگ است که ترکیه را وارد سال دو هزار خواهد کرد.

دفتر سیاسی پ.ک.ک. در بیانیه ای که در پنجم اوت ۱۹۹۹، منتشر شده، نوشته است: «حزب ما تمام و کمال بیانه دوم اوت دبیر کل حزبمان عبدالله اوجالان را با تمام نیرو می پذیرد و رسماً و علناً اعلام می کند که این بیانیه را به پراتیک حزب تبدیل خواهد کرد. بعد از این کلیه فعالیت های ایدئولوژیکی، سیاسی، تشکیلاتی و مسلحانه را در راستای عملی کردن بیانیه به کار خواهد برد. در راه جمهوری دموکراتیک ترکیه، اصول و اهداف کاملاً جدیدی را تدوین خواهد کرد. تمام روابط و مناسبات سیاسی-تشیلاتی، برای رسیدن به این هدف تنظیم خواهد شد. کل حزب و همه نهادهای ملی مان با احساس مسئولیت و با انضباط بالا در راه دموکراسی و صلح، تمام تلاش خود را به کار می گیرند. مردم ما که سال ها درد و رنج را تجربه کرده اند به خوبی می دانند که چنین تلاش هایی چه معنایی دارد. ما برای اهدافی که رهبر ما «آپو»، در مقابل مان قرار داده است با تمام قوا استقبال می کنیم.» (۴۷)

این بیانیه می افزاید: «گامی که رهبر حزبمان در دوم اوت برداشته است یک تلاش تاریخی محسوب می شود که حزبمان و خلقمان آن را در راستای حل مسئله مردم کرد از طریق فعالیت های صلح جویانه و مسالمت آمیز و توسعه دموکراتیک جمهوری ترکیه، با جسارت هر چه بیشتر دنبال می کند و وظایفی را که در این راه به عهده دارد تا آخرین درجه جانفشانی

انجام می دهد. این جواب قطعی ماست!»

جلسه وسیع کمیته مرکزی پ.ک.ک. که در فاصله روزهای ۲۳ تا ۲۹ ژوئیه ۱۹۹۹ برگزار شد، مواضع اوجالان را مبنی بر مذاکره با دولت و فعالیت های مسالمت آمیز که در جریان محاکمه اوجالان در جزیره ایمرالی اعلام شده بود؛ مورد تایید رسمی قرار داد. کمیته مرکزی پ.ک.ک. با انتشار بیانیه ای در تاریخ ۱۰ اوت ۱۹۹۹، متن چند قطعنامه تصویبی کمیته مرکزی را اعلام کرد:

— در پی صدور بیانیه رهبر ما رفیق عبدالله اوجالان، مبنی بر این که مبارزه مسلحانه خاتمه می یابد و نیروهایمان به مناطق مورد نظر عقب نشینی می نمایند و فعالیت سیاسی را جایگزین مبارزه مسلحانه می کنند؛ کمیته مرکزی، به اتفاق آرا این قطعنامه ها را مورد تصویب قرار می دهد. علاوه بر این بسیار مهم است که نیروهایمان در مقابل هر گونه توطئه احتمالی هوشیار باشند.

— تمام بحث های رفیق عبدالله اوجالان، در دادگاه برای بحث و گفتگو و اظهار نظر در اختیار کلیه اعضای حزب قرار خواهد گرفت. برنامه جدید حزب، بر اساس اظهارات اوجالان در دفاعیه اش در دادگاه، تنظیم خواهد شد.

— بعد از مجموعه بحث هایی که حول برنامه جدید صورت می گیرد، با برگزاری یک کنگره فوق العاده، برنامه و اهداف و سیاست های جدید، مورد تصویب قرار خواهند گرفت.

— برنامه در چهارچوب یک جمهوری دموکراتیک راه حل هایی برای مذاکره، نزدیکی و اتحاد، با اتکا به فعالیت های دموکراتیک و سیاسی را مد نظر خواهد داشت.

— طبق اظهارات رهبرمان، از روشنفکران کرد و ترک، نهادهای دموکراتیک و

تشکل‌های سیاسی و توده‌ای مردم دعوت می‌کنیم که در امر مبارزه و سازماندهی تشکیلاتی که در چهارچوب جمهوری دموکراتیک می‌گنجد با ما همکاری نمایند.

— حزب و همه نهادهای آن، هرگونه حرکت‌های تهدید آمیز و دگماتیسم را محکوم می‌کند...

— مبارزه تشکیلات زنان حزب، در مبارزه سیاسی بسیار موثر و ضروری خواهد بود...

— ما نسبت به ترکیه، برخورد سیاسی خواهیم داشت. ما در رابطه با مسئولین کردستان عراق نیز همین سیاست را دنبال می‌کنیم. در این راه تلاش‌های ویژه‌ای را به کار می‌بندیم...

— از اول سپتامبر ۹۹، به طور یک طرفه با حزب دموکرات کردستان عراق آتش بس اعلام می‌کنیم. از این تاریخ نیروهای ما تنها حق مشروع دفاع را برای خود محفوظ نگاه خواهند داشت. تا زمانی که به اردوگاه‌های ما حمله نکنند، نیروهای ما هرگز دست به عملیات نظامی نخواهند زد... (۴۸)

این قرارها را کنگره هفتم فوق‌العاده پ.ک.ک. نیز مورد تایید قرار داد و برنامه جدید حزب را در جزوه‌ای به نام «برنامه و اساسنامه جدید پ.ک.ک.» در ماه مارس ۲۰۰۰ منتشر ساخت. در مقدمه این جزوه چنین نوشته شده است: «حزب‌مان از بنیان دوره جدیدی از تغییر و تحولات را از سر می‌گذراند. این تحولات بنیان‌های تاسیس حزب جدیدی را پی‌ریزی می‌کند. این تغییرات از زمان اعلام موجودیت حزبمان تا به امروز، نخستین تحولات پایه‌ای همه جانبه است. بدون شک، این تغییرات در اثر ۲۵ سال مبارزه حزبی به وجود آمده است که از تغییرات منطقه‌ای و جهانی ناشی می‌شود.

رفیق عبدالله اوجالان بنیانگذار حزب و دبیر کل آن، نیاز به تغییر را در

دفاعیه خود در ایمرالی چنین مطرح کرده است:

«... مسئله کرد موقعیت سنتی خود را پشت سر گذاشته و در این دوره اهداف اجتماعی مدرن و راه حل دموکراتیک مسئله، اعتبار و وزنه سنگینی را کسب کرده است؛ یعنی برای اولین بار زحمتکشان و کارگران برنامه دموکراتیک خود را به وجود می‌آورند و حرکت مستقل خود را سازمان می‌دهند. بر این اساس، بدون وابستگی به قدرت‌های خارجی و یا حالت تسلیم شدن، با اتکا به نیروی اجتماعی خود، هم بی‌نهایت مدرن و هم واقعا با یک راه حل اساسی اجتماعی، جای خود را در تاریخ پیدا کرده‌اند»

پ.ک.ک. در بخش «حل مسئله کرد و دموکراتیزه شدن» برنامه خود می‌نویسد: «... به نفع مردم کرد است که به طور کلی، مبارزه سیاسی و اجتماعی خود را در چهارچوب یک جمهوری دموکراتیک، برای رسیدن به انواع آزادی‌ها از جمله آزادی‌های فرهنگی، زبان، هویت ملی در آستانه قرن بیست و یکم، به کار اندازند. بنابراین، تغییرات استراتژیک مبارزه سیاسی، دورنمای قطعی دستیابی به پیش شرط‌های لازم برای رسیدن به این اهداف است. پ.ک.ک. با ایدئولوژی سوسیالیستی در آستانه قرن بیست و یکم، با همبستگی نیروی کار ترکیه و جهان، به اهداف دموکراتیک و آزادی خود خواهد رسید.» (۴۹)

در واقع نکات فوق، رئوس سیاست‌های جدید پ.ک.ک. هستند. این جهت‌گیری‌ها نشان می‌دهد که آن حزب عزم کرده است تغییرات اساسی در درون تشکیلات خود و در نگرش به جهان بیرونی به وجود آورد. این حزب مصمم است به مبارزه مسلحانه چریکی خاتمه دهد و به سوی یک سازماندهی سیاسی-تشکیلاتی در جهت مذاکره با دولت و سیاست مسالمت‌آمیز گام بردارد. مسلما شرایط موجود جهان و بلوک‌بندی‌های جدید بعد از فروپاشی